



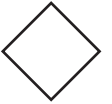
سالنامه پژوهشی نبأ

سال اول - شماره یک - ۱۳۹۸

مقاله هفتم:

تحلیلی بر جایگاه و آثار گسترده‌ی کوثر «اقرء» قرآن کریم؛ ختم و حفظ کلام الهی

کریم پازجه‌باف دولتی



تحلیلی بر جایگاه و آثار گسترده‌ی کوثر «اقرء» قرآن کریم؛ ختم و حفظ کلام الهی

کریم پارچه‌باف دولتی^۱

چکیده

از اصطلاحات قرآنی که از دیرباز به عنوان یکی از سنت‌های مسلمانان در فراگیری و آموزش قرآن کریم رواج داشته، سنت «اقرء» است. ملاحظه‌ی دقیق این سنت در زمان نزول وحی و ترویج و توجه جدی به آن به وسیله‌ی رسول گرامی اسلام (ص) و به تبعیت از ایشان توسط صحابه و به تدریج نسل‌های بعد، علاوه بر این که نیاز به این امر مهم را در تمام زمان‌ها و از جمله عصر فعلی برجسته می‌سازد، می‌تواند فواید عملی آن را نشان دهد. پای‌بندی به ختم قرآن، یکی از مهم‌ترین ثمرات اقرء است که حفظ قرآن را می‌تواند در پی داشته باشد. در این مقاله پس از ریشه‌یابی موضوع اقرء از نظر لغت، در کلام الهی و سیره نبوی (ص) و اهل بیت (ع)، در روش مسلمانان نیز پی‌گیری شده و با ذکر شواهد گوناگون، این امر نشان داده شده که آموزش و قرائت صحیح قرآن کریم جز از طریق «اقرء» ممکن نیست. سپس به یکی از نتایج برجسته‌ی اقرء و پای‌بندی به آن، یعنی «ختم قرآن» اشاره شده که نتیجه‌ی هر دو عنوان «اقرء» و «ختم قرآن»، «حفظ قرآن» است. این مطالعه نشان می‌دهد که سیره و توصیه‌ی پیشوایان دین در انس با قرآن، تنها از رهگذر «اقرء» می‌گذرد و دوری از این شاهراه ارتباطی، به برخی کارهای خلاف حقیقت یا عاری از آن منجر می‌شود که از روح اصلی فرهنگ قرآنی بی‌بهره است.

واژگان کلیدی: اقرء، قرائت قرآن، انس، ختم قرآن، حفظ قرآن، حال مرتحل

آغاز قرائت قرآن را به تصریح آیات قرآن، بسان اصل الفاظ و محتوای آن باید الهی دانست: «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ...» (قیامه: ۱۷ و ۱۸): به یقین بر عهده‌ی ماست جمع کردن آن (در سینه‌ات) و خواندن آن (بر تو، و خواندن تو بر مردم). پس چون آن را خواندیم سنت «اقراء» نیز بسان اصل قرائت قرآن، برگرفته از همین منبع لایزال است: «سُنِّقِرُكَ فَلَا تَنْسَى» (اعلی: ۶): به زودی تو را (به خواندن همه‌ی قرآن به طرز تنظیم اصلی در علم ازلی و لوح محفوظ) خوانا می‌کنیم، پس هرگز فراموش نمی‌کنی.

این سنت، از یک سو دارای جایگاهی ویژه در آموزش قرآن کریم است و از دیگر سو، نتایج و ثمراتی در انس با کلام الهی را در پی خواهد داشت. از جمله‌ی این موارد، ختم و حفظ قرآن کریم است که در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان (ع) مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. در این مقاله، نخست به مفهوم «اقراء» پرداخته و پس از تبیین اهمیت آن، به دو نتیجه از اهم تأثیرات و نتایج آن، یعنی ختم و حفظ قرآن کریم، و تعامل دوسویه‌ی آن‌ها اشاره می‌شود.

اقراء

مفهوم لغوی «اقراء»

کلمه‌ی «اقراء» مصدر باب افعال از ریشه‌ی «قرء» است. معنای این ریشه را متفاوت گفته‌اند؛ گاهی آن را «جمع» معنا کرده‌اند، زمانی «خواندن» دانسته‌اند و برخی نیز این دو معنا را در یک راستا قلمداد کرده و اصل را «جمع» و یکی از نتایج یا مفاهیم ثانوی را «خواندن» ذکر کرده‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، صص ۷۸-۷۹؛ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۴۷).

به این ترتیب، مصدر «اقراء» را در صورت کاربرد «أَقْرَأُ غَيْرَهُ اقراءً»، باید «خوانا کردن» یا «توانا کردن بر قرائت» معنا کرد (ابن منظور، پیشین، ج ۱۱، ص ۷۹). البته آن را به معنای ابلاغ موضوعی مکتوب نیز بیان کرده‌اند: «قَرَأَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْلَغَهُ، كَأَقْرَأَهُ، أَوْ لَا يُقَالُ: أَقْرَأَهُ إِلَّا إِذَا كَانَ السَّلَامُ مَكْتُوبًا» (فیروزآبادی، پیشین، ص ۴۷). طبرسی «اقراء» را قرائت کردن بر قاری با گوش کردن دانسته است تا موجب رفع اشکالات بشود (طبرسی، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱۰، ص ۴۸۳).

پس در مجموع می‌توان در واژه‌ی «اقرء»، دو نکته را به عنوان شاخصه در نظر گرفت:

* رساندن امری به مخاطب.

* نشان دادن آن امر بر وجود مخاطب؛ و نه صرف انتقال.

کاربرد قرآنی «اقرء» و مفهوم آن

در قرآن کریم تنها یک بار فعل «نُقِرُّ» از مصدر اقرء به کار رفته است: «سُنُّقِرُكَ فَلَا تَنْسَىٰ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ» (اعلی: ۶-۷): به زودی تو را (به خواندن همه‌ی قرآن به طرز تنظیم اصلی در علم ازلی و لوح محفوظ) توانا می‌کنیم، پس هرگز فراموش نمی‌کنی. جز آنچه را که خدا بخواهد (که هرگز نخواهد، ولی قدرت او دائماً محفوظ است)، همانا او آنچه را آشکار و آنچه را پنهان است می‌داند. علامه طبرسی در باره‌ی این آیات می‌گوید: «قرآن را بر تو قرائت می‌کنیم و تو آن را فراموش نخواهی کرد. گفته‌اند: جبرئیل به دستور ما قرآن را بر تو می‌خواند و تو آن را حفظ می‌کنی و فراموش نمی‌کنی.» آن گاه به فضیلت پیامبر اکرم (ص) که از این آیه برداشت می‌شود، اشاره دارد (طبرسی، پیشین، ج ۱۰، صص ۴۸۵-۴۸۶). اما علامه طباطبایی اقرای قرآن بر پیامبر (ص) توسط خدا را همانند اقرای شخصی بر شخص دیگر از طریق گوش کردن، اصلاح اغلاط و ارتقای کیفیت قرائت ندانسته و شاهد آن را چنین بیان می‌کند که از آن حضرت، چنین غلط‌خوانی‌ها و رفع اشکالاتی نقل نشده است. سپس منظور از آن را چنین بیان می‌دارد: «خدا، پیامبر (ص) را توانا بر قرائت قرآن کرد همان گونه که نازل شده است، بی آن که ایشان به خاطر فراموشی، در چیزی از آن، بیفزاید؛ از آن بکاهد؛ یا تحریف و تغییری صورت دهد.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۶۶). به هر حال، این یکی از معجزات پیامبر (ص) است که آیات و سوره‌های طولانی قرآن را نیز با یک بار تلاوت جبرئیل به خاطر می‌سپرد و آن‌ها را فراموش نمی‌کرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۳۹۵).

با این حال، برخی مفهوم آیه را دلالت بر استمرار می‌دانند و چنن معنا کرده‌اند: «تو را - دائماً - بر خواندن توانا خواهیم ساخت، همیشه کاری می‌کنیم که بتوانی بخوانی» و این استمرار و دوام را به جهت در آمدن حرف سین بر سر فعل «سُنُّقِرُكَ» دانسته‌اند (مستفید، در محضر قرآن کریم، اجزای ۲۶ تا ۳۰، ص ۱۸۰). با توجه به آنچه مفسران بیان داشته‌اند، معنای اقرء در این آیه را باید «توانا کردن پیامبر (ص) بر

قرائت صحیح قرآن و قرار دادن این توانایی به صورت دائمی در ایشان» دانست که با فراموش نکردن و تثبیت در وجودشان همراه است. به این ترتیب، هر چند مفهوم اقراء در باره‌ی آن بزرگوار، خاص و ویژه تلقی می‌شود، اما مسیر اقرای صحیح و عمومی قرآن را روشن می‌نماید.

اصطلاح «اقراء»

برای درک بهتر مفهوم اصطلاحی «اقراء»، اشاره به چند موضوع اهمیت دارد.

نخست آن که روش تعلیم قرآن از جانب پیامبر(ص) به مردم - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - بر اساس توانا کردن بر قرائت «اقراء» است. نقل‌های ذیل شاهد بر این ادعا محسوب می‌شوند:

* روایت شریف نبوی: «خَيْرُكُمْ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ أَقْرَأَهُ» یعنی: بهترین شما کسی است که قرآن را

بخواند و بر دیگران هم اقراء کند (متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، خ ۲۳۵۴-۲۳۵۵).

* ابن مسعود (م ۳۲ق) گوید: «أَقْرَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ سَبْعِينَ سُوْرَةً أَحْكَمْتُهَا قَبْلَ أَنْ يَسْلَمَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ»

یعنی: قبل از این که زید بن ثابت اسلام بیاورد، پیامبر خدا(ص) مرا بر قرائت هفتاد سوره توانا کرده بودند که آن‌ها را تثبیت کرده بودم (نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۳).

* صحابه، تابعان و نسل‌های بعد همگی قرائت را سنت می‌دانستند که باید آن را از طریق نقل و

سمع فرا گرفت. ابن مسعود قرائت را وابسته به فراگیری می‌داند و مردم را به پیروی از آنچه شنیده‌اند، و

نه بدعت‌گذاری در قرائت، توصیه می‌کند؛ زید بن ثابت دیگر صحابی رسول مکرم اسلام(ص)، قرائت را

سنتی می‌داند که باید بر اساس شنیده‌ها آن را خواند. ابوعمرو دانی، نقل‌های متعددی را از صحابه در این

باره نقل کرده است (رک: دانی، جامع البیان فی القراءات السبع المشهوره، صص ۳۷-۴۲).

* قرائات قرآن را به اختصار چنین تعریف کرده‌اند: «قراءت، تلفظ الفاظ قرآن است همان‌گونه

که پیامبر اکرم(ص) آن را تلفظ کرده‌اند، یا همان‌طور که در برابر ایشان قرائت شده و مورد تقریر

قرار گرفته است؛ خواه نطق به لفظ نقل شده از پیامبر(ص) در عمل آن حضرت یا تقریرشان باشد و

خواه تمام راویان به یک صورت روایت کرده باشند یا از یک نفر روایت شده باشد.» (فضلی، القراءات

القرآنیة، ص ۶۸).

* ابن مجاهد - نخستین کسی که قرائات را در هفت عدد منحصر نمود و کارش مورد توجه

عالمان بعدی قرار گرفت - روایتی را از طریق اعمش از عاصم بن ابی‌النجود از زَرِّ از عبدالله بن مسعود از امام علی (ع) نقل می‌کند که: «رسول خدا (ص) به شما امر می‌کند که قرآن را همان گونه که فراگرفتید، قرائت کنید.» (ابن مجاهد، السبعه فی القراءات، ص ۴۷). وی در جایی دیگر، قرائت را سنتی که باید پیروی شود «سنة متبَّعة» و بدون امکان اجتهاد در آن معرفی می‌کند (پیشین، ص ۵۰).

* اصمعی نقل می‌کند: شنیدم نافع «يُقِضُ الْحَقُّ» (انعام: ۵۷) می‌خواند. به او گفتم: ابوعمرو آن را «يُقِضُ الْحَقُّ» قرائت می‌کرد و قضاء از جدا کردن و حکم کردن است. نافع گفت: وای بر اهل عراق، آیا در قرآن به قیاس (و قاعده‌ی عربی و نه توجه به نقل) عمل می‌کنید؟! (دانی، پیشین، ص ۴۷).
مطلب دیگر آن که، مهم‌ترین شرط اعتبار قرائت، «برخورداری از صحت سند» است (ابوشامه مقدسی، المرشد الوجیز، ص ۱۷۱). این موضوع، نشانگر آن است که قرائتی مورد پذیرش است که سینه به سینه از رسول اکرم (ص) تا قاری اقرء شده باشد؛ و اتصال سند و اعتبار ناقلان آن قرائت نیز باید احراز شود.

با توجه به مجموع آنچه تاکنون بیان شد باید «اقرء» را این گونه توصیف کرد: مُقَرِّی، قاری قرآن را به خواندن فراخواند و قاری هم پس از استماع دقیق قرائت کند. اگر قاری در قرائتش دچار لغزش شود، مقری با مهارت و تسلطش اشکال قاری را اصلاح و نقص وی را تکمیل خواهد کرد (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ص ۲۳۸).

با این توصیف، سه نکته روشن می‌شود:

* رکن بودن مهارت و تسلط مقری (استاد) برای اقرء.

* اصل بودن استماع در اقرء.

* به کار بستن دقت در دریافت و تلقی قرآن کریم.

ویژگی‌های مهم «اقرء»

۱- همان طور که به طور ضمنی اشاره شد، نقل سند در قرائت، از دیرباز امری جاافتاده و سنتی معتبر بوده است. این سنت علاوه بر این که موجب شناسنامه‌دار شدن قرائت شخص می‌شده، حدود و مرزهای قرائات را در طول تاریخ تعیین می‌کرده است.

نمونه‌های زیر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد:

* عاصم قرآن را خوانده است بر: ابو عبدالرحمن سُلَمی از حضرت علی(ع)، ابی بن کعب، عثمان بن عفان، زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود؛ زَرِّ بْنِ حُبَيْش از عثمان بن عفان و عبدالله بن مسعود (ابن مجاهد، پیشین، صص ۶۹-۷۰؛ دانی، التیسیر فی القراءات السبع، ص ۹).

* دوری و ابوشعیب سوسی از یزیدی از ابوعمرو بصری که وی قرآن را بر افراد متعددی خوانده است؛ از جمله: مجاهد بن جبر مکی، سعید بن جبیر، عکرمه بن خالد، عطاء بن رباح، عبدالله بن کثیر مکی، محمد بن عبدالرحمن بن مُحِیصِن، حُمَید بن قیس اَعْرَج، یزید بن قَعْقَاع مدنی، یزید بن رومان، شَبِیبه بن نِصاح، حسن بصری، یحیی بن یعمر (ابن مجاهد، پیشین، صص ۷۹-۸۳؛ دانی، پیشین، ص ۸).

* ابوعبید قاسم بن سلام هروی (۱۵۷-۲۲۴ق) قرآن را بر علی بن حمزه کسائی (از قاریان سبعه)، اسماعیل بن جعفر، شجاع بن ابی نصر بلخی و دیگران قرائت کرده یا از آنان شنیده است (ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، معرفه القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، صص ۱۰۱-۱۰۲؛ ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، صص ۴۹۰-۵۰۹؛ ابن الجزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ج ۲، صص ۹۱۴-۹۱۶).

* ذکر اسانیدی که قرائت از پیشوایان قرائت در هر منطقه از مناطق اصلی (مدینه، مکه، کوفه، بصره و شام) به ابن مجاهد واصل شده است (ابن مجاهد، پیشین، صص ۸۸-۱۰۱).

* ذکر اسنادی که قرائت پیشوایان قرائت از طرق مشخص شده از ایشان به صورت نقل و تلاوت به ابوعمرو دانی رسیده است (دانی، پیشین، صص ۱۰-۱۶).

* ابن الجزری طرق نقل قرائت خویش را با ذکر تمام واسطه‌ها تا قراء عشره بیان می‌دارد (ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، صص ۹۹-۱۹۲).

در پاسخ به این شبهه که «آیا توجه به اسانید قرائت، سبب می‌شود که قرآن کریم را از تواتر و نقل عمومی قرائت خارج کرده و آن را روایتی آحادی دانست؟»، باید گفت این گونه نقل‌ها برای تأکید و توجه دادن هر فرد (و دیگران) به این امر است که باید قرائت را از طریق استماع فراگرفت؛ نه آن که آن را از متن مصحف و بدون معلم آموخت. به تعبیر دیگر، قرآن در عین تیسیر الهی (قمر: ۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰)، کتابی خودآموز نیست و باید با آموختن از معلم، به قرائت و فهم آن اهتمام ورزید؛

چنان که می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲)؛ اوست که در میان امیان (مردم مکه که غالباً بی‌سواد بودند) فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها تلاوت می‌نماید و آن‌ها را (از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آن‌ها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد.

۲- امر دیگری که در اقراء اهمیت می‌یابد توجه به استمرار اقراء و استقراء است. همان طور که در حدیث شریف نبوی بنا بر نقل‌های مختلف آمده است «فراگیری و یاد دادن» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۶، حدیث ۲) یا «خواندن و تعلیم قرائت به دیگران» (متقی هندی، پیشین)، امری بدون حد و مرز زمانی است. به تعبیر دیگر، فرد مسلمان و مؤمن باید ابتدا قرآن را از طریق شنیدن (سمع) و خواندن بر استاد مقری (عرضه) یا حداقل یکی از این دو فراگیرد. آن‌گاه که فراگرفت، تلاش وی باید معطوف به یاد دادن به دیگران از طریق خوانا کردن دیگران یا حداقل نیشاندن آیات به جان آنان (اسماع و استماع)، رفع اشکالات و نواقص قرائت دیگران (اقراء) بشود. این، همان مطلبی است که در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) وارد شده است: «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹، حدیث ۳): «شایسته است که مؤمن نمیرد، مگر آن که قرآن را فراگیرد یا در حال آموزش دادنش باشد»

اگر انسان تلاش کند، ولو به سختی، قرآن را فرامی‌گیرد (کلینی، پیشین، حدیث ۱-۲) و این، حداقل با یک دوره شاگردی نزد استاد و فراگیری از وی امکان پذیر است (حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ)؛ اما یاد دادن به سایر مردم تمامی ندارد، باید استمرار داشته باشد و حتی تا دم مرگ نیز ادامه یابد (أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ). فعل مضارع «يَكُونَ» در این حدیث نیز دلالت بر استمرار و منقطع نشدن دارد.

۳- دو نتیجه‌ی مهم حاصل از شیوه‌ی صحیح اقراء قرآن را می‌توان «ختم» و «حفظ» کلام الهی دانست. در ادامه موضوع ختم قرآن تبیین می‌شود و در پایان هم اشاره‌ای به حفظ قرآن خواهد شد.

ختم قرآن

مفهوم «ختم»

مصدر «ختم» در لغت به معنای مهر زدن و بستن است. ختم بر قلب یعنی قلب فهمی نداشته باشد

و چیزی از آن خارج یا به آن داخل نشود، گویا که بر آن مهر زده شده است. ختم هر چیز را پایان آن گفته‌اند (ابن منظور، پیشین، ج ۴، صص ۲۴-۲۵؛ فیروزآبادی، پیشین، ص ۹۹۱). بر همین اساس، به پایان رساندن قرآن، یعنی خواندن از ابتدا تا آخر قرآن را «ختم قرآن» گفته‌اند (ابن منظور، پیشین، ص ۲۵). وقتی که شخصی همت خویش را با توجه به توان و فرصت، برای اقرای قرآن معطوف کند، به طور طبیعی موفق به ختم قرآن خواهد شد. حال ممکن است این ختم قرآن مخاطبی داشته باشد (اعم از مقری یا قاری) یا این که فرد برای خود انجام دهد (ختم مستمر و روزانه قرآن). به هر ترتیب، یکی از برجسته‌ترین نتایج ختم قرآن انس بیشتر با قرآن کریم است که می‌تواند کمک مستقیم یا غیرمستقیمی به اقرآء بنماید.

کمیت و کیفیت ختم قرآن

کمیت و کیفیت ختم قرآن همانند هر عمل دیگر عبادی، در سیره‌ی پیشوایان دین مورد توجه قرار گرفته است.

هر چند به استناد «فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمل: ۲۰): اینک هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید و فرمایش امامان معصوم، حضرت سجاد(ع) و حضرت صادق(ع)، که برای قرائت هر حرف قرآن کریم پاداش ویژه‌ای را بیان فرموده‌اند (کلینی، پیشین، صص ۶۰۴-۶۰۵، حدیث ۶)، ختم قرآن به هر صورت و در هر بازه‌ی زمانی مورد توجه حق تعالی است، اما در روایات و ویژگی‌هایی برای آن ذکر شده که به تفکیک و همراه با توضیح مختصر مورد اشاره واقع می‌شوند.

۱- اصل ختم قرآن، مورد توجه و تأکید است تا بدانجا که امام صادق(ع) به نقل از پیامبر(ص) در ضمن روایتی که فضیلت حامل قرآن و وظایف وی را برمی‌شمرند، می‌فرمایند: «... مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّمَا أُدْرِجَتْ التُّبُوءُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ، وَ لَكِنَّهُ لَا يُوْحَىٰ إِلَيْهِ ...» (کلینی، پیشین، ص ۵۹۷، حدیث ۵): ... هر کس قرآن را ختم کند، گویا نبوت در وجودش قرار گرفته است، بی آن که به او وحی شود ...

همچنین کار کسی که قرآن را آغاز کرده و آن را به پایان برساند را «الحالّ المرتحل» معرفی کرده و عملش را بالاترین اعمال دانسته‌اند (کلینی، پیشین، ص ۵۹۸، حدیث ۷؛ مجلسی، پیشین، صص ۲۰۴-۲۰۵، احادیث ۱، ۲، ۴، ۶ و ۷).

۲- از یک سو تأکید بر این است که به ختم قرآن - ولو بدون فهم - توجه شود (کلینی، پیشین، ص ۶۰۵، حدیث ۶)؛ از دیگر سو، طبق روایت نبوی (ص) ختم قرآن به میزانی از قرائت قرآن گسترده می شود که انسان به فهم آن دست یافته باشد: «خَتَمُ الْقُرْآنِ إِلَى حَيْثُ تَعَلَّمَ» (کلینی، پیشین، ص ۶۰۵، حدیث ۷): ختم قرآن تا بدانجاست که بدانی و بفهمی. به این ترتیب، ختم قرآن را باید بر قرائت قرآن با گستره‌ی وسیعی از کمیت و کیفیت تطبیق داد.

۳- در برخی از روایات بدون اشاره‌ی مستقیم به ختم قرآن، وظیفه‌ی هر مسلمان را قرائت تعداد مشخصی از آیات در هر روز دانسته است.

از ششمین پیشوای معصوم حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ، وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» (کلینی، پیشین، صص ۶۰۱-۶۰۲، حدیث ۱): قرآن دستور خدا به بندگانش است؛ پس شایسته است فرد مسلمان به این دستورات الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

روایت دیگر از امام باقر (ع) به نقل از رسول گرامی اسلام (ص) در این باره چنین است: «هر کس ده آیه در هر شب بخواند، از جمله‌ی غافلان یاد خدا محسوب نشود؛ هر که پنجاه آیه بخواند، از ذاکران الهی قلمداد شود؛ کسی که صد آیه بخواند، در زمره فرمان‌برداران است؛ آن که دویست آیه بخواند، با خاشعان همراه شود؛ فردی که سیصد آیه بخواند، رستگار خواهد گردید؛ آن کس که پانصد آیه بخواند، از کوشندگان در راه خداست؛ کسی که هزار آیه بخواند، برایش قنطاری از تبر منظور شود (قنطار معادل پانزده هزار مثقال طلا و مثقال هم وزن بیست و چهار قیراط است). کوچک‌ترین آن پاداش‌ها همانند کوه احد و بزرگ‌ترین آن‌ها به اندازه‌ی فاصله‌ی بین آسمان تا زمین است (کلینی، پیشین، ص ۶۰۴، حدیث ۵؛ نقل مشابه و ناقص در: مجلسی، پیشین، ص ۱۹۹، حدیث ۱۳).

۴- روایاتی در جوامع روایی ملاحظه می شود که به نوعی حدود زمانی برای ختم قرآن ذکر می کند. اهمّ این کمیت‌ها که قطعاً به تناسب توان، استعداد، سطح و فراغت افراد تغییر می کند، به قرار زیر است:

* ختم قرآن در حداقل یک ماه یا بیشتر (کلینی، پیشین، ص ۶۰۹، حدیث ۱ و ص ۶۱۱، حدیث ۵).

* ختم قرآن در چهارده (، هفت یا پنج) روز (کلینی، پیشین، ص ۶۱۰، حدیث ۳).

* ختم قرآن در هفت روز یا بیشتر و کمتر در همان حدود (کلینی، پیشین، ص ۶۰۴، حدیث ۴؛ مجلسی، پیشین، ص ۲۰۵، حدیث ۳).

* ختم قرآن در شش روز (کلینی، پیشین، ص ۶۱۱، حدیث ۵).

* ختم قرآن در سه روز در ماه مبارک رمضان (کلینی، پیشین، صص ۶۰۹-۶۱۰، حدیث ۲).

* ختم قرآن در سه روز به طور مطلق (مجلسی، پیشین، ص ۲۰۴، حدیث ۱).

اما روایتی از علی بن مغیره از امام کاظم (ع) نقل شده که حاوی نکات مهمی در این خصوص است که به جهت اهمیت و یکتایی ذکر می شود: «علی بن مغیره گوید: به آن حضرت عرض کردم: پدرم از جدتان (امام باقر (ع)) درباره‌ی هر شب ختم قرآن کردن پرسید و ایشان، آن را تجویز کردند. آن گاه در باره‌ی همین موضوع در ماه مبارک رمضان پرسید و باز هم اجازه دادند. سپس پدرم به ایشان عرض کرد: هر چه بتوانم (انجام می‌دهم). پس پدرم در ماه رمضان چهل بار ختم قرآن می‌کرد. من نیز (به استناد جواز جدتان) تاکنون همانند پدرم ختم قرآن می‌کنم؛ گاهی بیشتر و زمانی کمتر به میزان فراغت، کار، سرحالی و کسالت. وقتی که عید فطر می‌شود، از ابتدا ختم‌هایم را هدیه می‌کنم به پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، حضرت فاطمه (س) و سایر امامان تا به شما برسد (و همین روال را تکرار می‌کنم) چه نتیجه‌ای به سبب این کار برایم حاصل می‌شود؟ حضرت امام کاظم (ع) فرمود: به خاطر این عمل (بزرگ)، پاداشت این است که در قیامت با آنان خواهی بود. (با تعجب) گفتم: الله اکبر! آیا واقعاً این پاداش برایم مقرر است؟ حضرت موسی بن جعفر (ع) سه بار فرمود: آری.» (کلینی، پیشین، ص ۶۱۰، حدیث ۴).

۵- ادعیه‌ای که برای ختم قرآن از معصومان (ع) نقل شده و همگی دلالت بر اهمیت ختم قرآن

دارند (مجلسی، پیشین، صص ۲۰۶-۲۰۹، احادیث ۱، ۲، ۴ و ۶).

به این ترتیب روشن می‌شود که اگر اقرآء صحیح صورت گرفته باشد، می‌تواند به ختم‌های مکرر از قرآن کریم منجر شود و ثواب و تأثیر معنوی فراوانی را برای انسان در پی داشته باشد.

حفظ قرآن

همان طور که در تمام روش‌های حفظ گوشزد می‌شود، بهترین راه برای حفظ آیات قرآن،

«مداومت بر قرائت آیات» و تکرار آن‌هاست (از جمله رک: دولتی، قرآن معجزه جاوید، ص ۲۶). کسی که مطابق آنچه بیان شد، به گونه‌ای منظم ختم قرآن را انجام دهد، قرآن را حفظ خواهد کرد.

برای روشن شدن موضوع، کافی است حدیث شریف امام صادق (ع) مجدداً مرور شود. آن حضرت فرمود: «الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ؛ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ، وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً» (کلینی، پیشین، صص ۶۰۱-۶۰۲، حدیث ۱). همان بزرگوار در روایتی دیگر می‌فرماید: «مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سَوْقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ، فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ» (کلینی، پیشین، ص ۶۰۳، حدیث ۲): چه چیزی فرد تاجر از میان شما که در بازارش مشغول (کسب و کار) است را باز می‌دارد از این که (شب هنگام) وقتی به خانه‌اش بر می‌گردد، نخوابد مگر این که سوره‌ای از قرآن را بخواند تا به جای هر آیه‌ای که می‌خواند ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از او پاک شود. پیشوایان دین بر «مداومت بر قرائت» - حتی برای تاجر و بازاری با تمام گرفتاری‌ها و مشکلات - تأکید فراوانی داشته‌اند.

آنچه از مجموع روایات این باب برمی‌آید آن است که به عنوان وظیفه‌ی مسلمانی، هر کس باید حداقل پنجاه آیه در شبانه روز بخواند. نتیجه این حداقل، آن است که فرد در هر سال سه بار ختم قرآن کند. اگر عمر طبیعی انسان را هفتاد سال در نظر بگیریم - با احتساب و کسر دوران طفولیت - حداقل تعداد ختم قرآن حدود صد و پنجاه تا دویست بار خواهد بود. چنانچه میزان قرائت روزانه افزایش یابد، به همین نسبت، تعداد ختم‌ها بیشتر می‌شود و تا ده‌ها و صدها برابر آن خواهد رسید. اکنون در نظر بگیرید شخصی در طول عمرش صدها بار، قرآن را قرائت کند، نتیجه‌ی منطقی این امر چه خواهد بود؟ آیا جز حفظ شدن قرآن است؟

مطابق مکتب اهل بیت (ع)، حافظ قرآن کسی است که نه ظاهر قرآن و نه به صورت چپ و راستی، بلکه عمق مفاهیم قرآن با گوشت و خونس آمیخته باشد. در این مکتب، قرائت و حفظ قرآن در اصل تفاوتی ندارند. قرائت صحیح به حفظ منجر می‌شود و حفظ صحیح از قرائت حاصل شده است. توجه به دو فرمایش از امام جعفر صادق (ع) در این باره قابل تأمل است. روایت نخست، در باره‌ی قرائت قرآن مطابق با موازین مورد تأیید است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَ كَانَ الْقُرْآنَ حَجِيزاً عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

... وَ مَنْ قَرَأَهُ كَثِيراً وَ تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةٍ حَفِظَهُ أَعْطَاهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ» (کلینی، پیشین، صص ۵۹۶-۵۹۷، حدیث ۴): هر کس در جوانی و باایمان، قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون اش بیامیزد و خدای عزوجل او را با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار الهی همراه کند و قرآن در روز قیامت مانع (از رسیدن عذاب به او) باشد. ... آری! هر که قرآن بخواند و آن را برای اهتمام در حقش با رنج و مشقت درک کند، خدای عزوجل پاداش این موضوع را در دو مرحله به او دهد. روایت دیگر مربوط به حفظ صحیح قرآن کریم است: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ، مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» (کلینی، پیشین، ص ۵۹۶، حدیث ۲): حافظ قرآنی که به آن عامل باشد، همراه با فرشتگان بزرگوار و نیکوکار الهی خواهد بود.

توجه به مشابهت دو روایت در بخش «مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ» مؤیدی است بر ارتباط قرائت و حفظ قرآن کریم از منظر اهل بیت (ع).

آسیب‌شناسی اجمالی وضع فعلی آموزش قرائت و حفظ قرآن

هرچند این مقاله در صدد آسیب‌شناسی وضع فعلی آموزش قرآن نیست؛ اما جا دارد اشاره‌ی مختصری به این امر صورت پذیرد.

با مقایسه‌ای که بین روش برگرفته از سنت نبوی و سیره‌ی معصومان (ع) با وضع فعلی آموزش قرائت و حفظ قرآن می‌توان انجام داد، نکاتی روشن می‌شود. مهم‌ترین نکته این است که نقطه‌ی آغازین آموزش‌های قرآنی نباید تکیه بر متن مکتوب و مصحف شریف داشته باشد؛ چه رسد نرم‌افزارهای قرآنی. این سخن، نفی فایده یا کارایی مصحف و چنین وسائلی نیست؛ بلکه سخن بر سر روش فراگیری، پیشرفت قرائت و حفظ و انس با کلام الهی است.

نکته‌ی مهم دیگر، آن است که روش‌های غیر مبتنی بر اقرآء قرآن که عموماً متکی به استفاده از چشم و سواد فارسی است، در طول زمان به تصحیح‌های متعددی نیاز دارند؛ حال آن که در روش اقرآء، آموزش کامل و یکپارچه صورت می‌گیرد و نیازی به چنین تصحیحاتی وجود ندارد. هر چقدر روش آموزش قرآن فاصله‌ی بیشتری با شیوه‌ی یاد شده داشته باشد، دست‌یابی به انس با قرآن کریم امری دیر هنگام‌تر - و حتی غیرممکن - می‌شود.

نتیجه گیری

- ۱- اقرء، کوثری پرخیر و برکت در انس با قرآن کریم و بهره‌مندی از آن بوده و آغاز نزول قرآن بر این عالم نیز از همین رهگذر بوده است.
- ۲- هرچند در کلام گذشتگان عنوان «کوثر» برای اقرء به کار نرفته است؛ اما شاید آن را از این باب دانست که غیر از اقرء، راه دیگری برای آموزش قرآن استفاده نمی‌شده است.
- ۳- این کوثر، ویژه‌ی قرآن است و سایر کتب آسمانی به علت این که الفاظشان از جانب خدا فرود نیامده، اقرء در آموزش متن آن‌ها نقشی ندارد.
- ۴- از بررسی روایات معصومان(ع) و سیره‌ی ایشان، همچنین سنت رایج بین مسلمانان، مشخص می‌شود طی قرون متمادی همواره قرائت قرآن کریم به وسیله اقرء آموزش داده می‌شده است.
- ۵- اقرء صحیح قرآن کریم ثمرات متعددی دارد. یکی از برجسته‌ترین نتایج آن، ختم قرآن است که آن نیز به انس تسلط با قرآن منجر می‌شود و آن می‌تواند به اقرء نیز کمک کند. ختم قرآن در واقع تکرار مستمر قرائتی است که از طریق اقرء آموخته شده باشد.
- ۶- ختم قرآن به طور مستمر - با هر کمیت و کیفیتی که باشد - به حفظ حداقل بخش‌هایی از کلام الهی منجر خواهد شد. این، همان امری است که در روایات، گاهی با عنوان «قرائت» و زمانی «حفظ» مورد اشاره واقع شده است.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، غایة النهایه فی طبقات القراء، محقق جمال الدین محمد شرف و مجدی فتحی السید، طنطا، دار الصحابه للتراث، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۹م.
- _____، النشر فی القراءات العشر، محقق محمد علی ضبّاع، بیروت، دار الكتاب العربی، بی تا.
- ابن مجاهد، ابوبکر احمد بن موسی، السبعة فی القراءات، محقق شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، چاپ سوم، بی تا.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تعلیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ابوشامه مقدسی، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلّق بالکتاب العزیز، محقق طیار آلتی قولاج، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۵ق.
- حجتی، سیدمحمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ش.
- دانی، ابوعمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، مصحح اوتوبرتزل، تهران، کتابفروشی جعفری تبریزی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- _____، جامع البیان فی القراءات السبع المشهوره، محقق محمد صدوق الجزائری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م.
- دولتئی، کریم و دیگران، قرآن معجزه جاوید، تهران، راه سبحان، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد، معرفة القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، محقق ابو عبدالله محمد حسن محمد حسن اسماعیل شافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷م.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، مشرف بر تحقیق شعیب ارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ یازدهم، ۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، چاپ پنجم، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۱ش.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، اسوه، چاپ اول، ۱۴۲۶ق/۱۳۸۴ش.
- فضلی، عبدالهادی، القراءات القرآنیة، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات و النشر و التوزیع، چاپ

چهارم، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م.

- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، تصحیح و تدقیق یوسف شیخ محمد بقاعی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۸-۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسوه، چاپ ششم، ۱۴۲۸ق.
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۶ش.
- مستفید، حمید رضا، در محضر قرآن کریم اجزای ۲۶ تا ۳۰، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه، بی تا.